

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، طراحی و اجرای هوشمندانه و مؤثر نقشه راه تحول فرهنگی است. هرگونه توزیع وظائف میان گروه‌های مرجع و دستگاه‌های مربوط، توزین عناصر فرهنگی، تعیین اولویت‌ها و اقدامات آموزشی، تربیتی، اجرایی و یا تنظیم قوانین مفید، نیاز به مهندسی دارد. درست‌ترین راه و مفیدترین روش دستیابی به این نقشه، استفاده از تجارب مفید و موفق گذشته در این باب است. این مقاله الگوی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی برگرفته از قرآن و سنت را پیشنهاد می‌کند. به منظور کشف مدل اسلامی مذکور، نگارنده با توجه به سهم کتاب و سنت در منابع اسلامی، به نزول تدریجی قرآن و ترتیب نزول سوره‌ها توجه می‌دهد و با رعایت اولویت این منبع، سنت را در راستای تکمیل، متمم و تفصیل مجملات مهندسی قرآن تلقی می‌کند. در نهایت، برای اجرایی شدن این مدل در سایر جوامع و جمعیت‌های پس از عصر نزول قرآن، قاعده «جری و تطبیق» را که از قواعد تصریح شده ائمه اطهار (ع) است، پیشنهاد می‌کند. بدین ترتیب مقاله پیش‌رو، ابتدا کیفیت و مراحل دستیابی به روش مهندسی فرهنگی در منابع اسلامی را تبیین می‌کند. سپس بنابر الزامات قاعده «جری و تطبیق»، انطباق مهندسی فرهنگی قرآن بر جامعه ایرانی را با همکاری رشته‌های گوناگون دانش‌های انسانی و اجتماعی در دو مرحله پیشنهاد می‌کند. الف) تعمیم و انطباق دستاوردهای منابع اسلامی بر مردم ایران؛ ب) ارائه روش‌های خاص اجرای این دستاوردها بر گروه‌های مختلف فرهنگی جامعه ایران.

■ واژگان کلیدی:

الگو، فرهنگ، مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی، قرآن، سنت، قاعده جری و تطبیق.

روش کشف الگوی اسلامی مهندسی فرهنگی

عبدالکریم بهجت پور

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
abp114@yahoo.com

مقدمه

بی‌تردید نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی فرهنگی و برخاسته از دین و منابع اسلامی است. هدف همه کسانی که در این راه تلاش کرده و نظام شاهنشاهی را نابود کردند، آن بود که نظامی را بر پا دارند که نه تنها ضد دین یا سکولار نباشد، بلکه دین را در عرصه‌های مختلف زندگی مردم و تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دخالت دهد و البته در سال‌های گذشته به موفقیت‌هایی در این عرصه نیز نائل آمده‌ایم.

امروز پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، گام‌های بلندی در عرصه مطالب مرتبط با نظام‌سازی اسلامی در شئون مختلف فردی و اجتماعی برداشته شده است. درک ما از مفاهیم دینی همچون توحید، نبوت، معاد و رستاخیز، اخلاقیات (فردی و اجتماعی)، احکام (فقهی و حقوقی) بسیار متفاوت با قبل است و اطلاعات ذی‌قیمت و ارزشمندی در مباحث اختصاصی دینی و بین‌رشته‌ای اسلام با علوم - مثل علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی در حوزه علوم طبیعی - فراهم آمده است.

اما سؤال بزرگی پیش‌روی مربیان، مدیران و مسئولین نظام اسلامی قرار دارد؛ چگونه دین و فرهنگ و نیز ارزش‌های فرهنگی، رفتار فرهنگی و اسلامی‌مان را در جامعه تثبیت و ماندگار کنیم و با پایش‌ها و مراقبت‌های مناسب، جلوی به حاشیه رانده شدن و حذف شدن احتمالی آنها را بگیریم؟

مسئله امروز کشور ما آن است که چگونه خط انتقال عناصر فرهنگی شامل مفاهیم، معارف، ارزش‌ها و رفتار دینی را سازمان دهیم که این سازمان، معقول، هوشمندانه، جهت‌دار و منتج به نتایج ماندگار فرهنگی در جان فرد و جامعه باشد؟

منابع انگیزشی جامعه هدف (ایران)

برای دستیابی به روش قابل اعتماد تغییر و تحول، روشی مستخرج از منبع یا منابع مورد پذیرش مهندسان فرهنگی جامعه هدف تحول فرهنگی، ضروری می‌نماید و برای جامعه مسلمان و پیرو مکتب اهل‌بیت^(ع)، نظریه الگوی وحیانی مهندسی را بر اساس قرآن و سنت پیشنهاد می‌کند.

ظرفیت جهانی قرآن و اسلام^۱ و آخرین برنامه^۲ و کامل‌ترین برنامه و روش بودن

۱. ر.ک: قلم/۵۲؛ تکویر/۲۷؛ ص/۸۷ و انبیاء/۱۰۷.

۲. احزاب/۳۳؛ آل عمران/۱۹ و ۸۵.

اسلام^۱ و استوارترین و پابرجاتر بودن برنامه هدایتی قرآن (راهبری از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب)^۲ و مطابقت و هماهنگی کامل اسلام با نیازهای فطری و آفرینش ویژه انسان‌ها^۳، ایجاب می‌کند که مدیران فرهنگی، به منابع اسلامی برای دستیابی به الگوی اسلامی تغییر و تحول، مراجعه کنند.

نیز روشن است که نباید از ویژگی‌های مردم ایران و جامعه هدف غفلت کرد؛ بلکه آشنایی با وضعیت فعلی جامعه هدف، از لوازم مهندسی فرهنگی است؛ لذا پس از استخراج مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی از آیات قرآن و سنت اسلامی، نوبت به تطبیق آنها بر جامعه هدف می‌رسد. باید با واقعیات مسائل فرهنگی جامعه هدف آشنا باشیم و ویژگی‌های فعلی فرهنگ آنها را بدانیم و از دسته‌بندی آنها درباره میزان باور به فرهنگ فعلی و یا اعتماد به فرهنگ آگاه باشیم؛ یا سطح تغییر و تحول مطلوب و قابل تحصیل درباره آنها را رصد کرده باشیم، تا به تناسب این آگاهی‌ها و سؤالاتی که به فراخور آنها پدید می‌آید، در باب مهندسی فرهنگی از منابع کتاب و سنت جويا شویم و در غیر این صورت، برداشت ما از قرآن و روایات در این باب حداقلی خواهد بود.

۹۳

مراحل دستیابی به روش اسلامی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی

چگونه به شیوه‌های تغییر و تحول و تثبیت و روش‌های نهادینه سازی ارزش‌های فرهنگی در جامعه از منظر اسلام دست بیابیم؟

پاسخ به این سؤال ابتدا توجه به نسبت و تناسب میان منابع اسلامی را ایجاب می‌کند. بی‌تردید در میان منابع اسلامی، قرآن نقش محوری را داشته و دیگر منابع اسلامی به تبع او و پس از او قرار دارند. حدیث متواتر ثقلین از رسول اکرم (ص) که فرمود «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۴۱۴-۴۱۳؛ طبری، ۱۴۱۵ هـ.ق: ۵۵۹؛ خزاز رازی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۹۲-۹۱ و نعمانی، ۱۳۹۷ هـ.ق: ۴۳-۴۲) و در آن قرآن ثقل اکبر و عترت ثقل اصغر شمرده شده است و احادیث ضرورت عرضه روایات

۱. ر.ک: توبه/۳۳ و فتح/۲۸.

۲. اسراء/۹.

۳. ر.ک: روم/۳۰.

معصومان^(ع) به قرآن^۱ و اینکه روایت نباید مخالف با قرآن باشد^۲ و سند درستی روایات منقول از معصومان^(ع) همگامی و هماهنگی آنها با قرآن است. «لاتقبلوا علينا ما خالف قول ربنا» (ر. ک: کشی، ۱۴۰۹: ۲۲۴، ح ۴۰۱ و ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ. ق: ۳۱۰)، نشان از اصالت و تقدم قرآن در طراحی الگوی استخراج شده از دین دارد و منابع دیگر از جمله احادیث مروی از پیامبر و معصومان^(ع) تابعی از آن می‌باشند.

نکته دیگر، ضرورت توجه به نزول تدریجی قرآن است. هر چند قرآن مجموعه‌ای فراهم آمده در ۶۲۳۶ آیه و ۱۱۴ سوره است، اما بی‌تردید نزول آن در طول ۲۰ یا ۲۳ سال دعوت پیامبر اکرم^(ص) صورت پذیرفت. نزول تدریجی قرآن به دلیل آن بود که قرآن، متضمن شیوه‌هایی برای تغییر و تحول جامعه هدف است. قرآن به شرحی که خواهد آمد، مکیان و مدنیان را جامعه اول و مدل تغییر و تحول قرار داد. پیامبر^(ص) را مسئول تغییر و قرآن را منشور تغییر مردم تلقی کرد. خداوند جل و علی، حضرت محمد^(ص) را در محتوا و روش تابع قرآن و اراده‌های الهی ظهور یافته در آن قرار داد و نسبت به هرگونه تخلف از قرآن هشدار فرمود: «تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ * وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ^۳؟ قرآن نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است و اگر او (پیامبر) حتی یک کلمه از پیش خود بر ما دروغ می‌بست، ما دست راستش را می‌گرفتیم، سپس شریان قلبش را قطع می‌کردیم، آنگاه احدی از شما مدافع او نبود».

و به ضرورت پیروی از «روش»، در این آیات اشاره کرد: «لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ

۱. همانند: «كُلُّ شَيْءٍ مَّرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ - وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۷۳)؛ و یا «إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجِدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ - فَخَذُوا بِهِ وَإِلَّا فَفَقُوا عِنْدَهُ ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۶۲) و ر. ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق: ۱۲۴-۱۰۶؛ احادیث ۱، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۷ و ۴۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ هـ. ق: ۳۵۷ و ۴۴۷؛ کلینی، ۱۴۲۹ هـ. ق: ۱۷۴-۱۷۱؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۲-۲۲۱ و عباشی، ۱۳۸۰ هـ. ق: ۹-۸.

۲. گرچه دیدگاه‌های عالمان شیعه در زمینه معیارهای نقد روایات از جمله قرآن عموماً به صورت روشمند و منقح تدوین نشده است، با این حال تعمق در نگرش و کاربرد معیار قرآنی از نگاه آنان، به‌خوبی نشان می‌دهد که معیار نقد از نظر آنان مخالفت حدیث با قرآن است. (به‌عنوان نمونه ر. ک: خویی؛ ۱۴۱۰ هـ. ق: ۵۰۶-۵۰۵؛ خویی؛ ۱۴۱۷ هـ. ق: ۱۰۷؛ خویی؛ ۱۴۱۹ هـ. ق: ۴۰۸-۴۰۷؛ سبحانی، ۱۴۱۹ هـ. ق: ۵۵؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۷؛ انصاری، ۱۴۱۹ هـ. ق: ۲۵۰-۲۴۵ و حکیم، ۱۴۰۶ هـ. ق: ۴۳۴-۴۳۳).

۳. حاقه / ۴۷-۴۳.

به * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ؛ زبانت را به [خواندن] آن [قرآن] مجنبن که به [قرائت] آن شتاب کنی؛ چرا که جمع آوری و قرائت آن بر [عهده] ماست. پس چون آن را قرائت کردیم، تو آن قرائت را پیروی کن. سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست» «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا؛ و قرآنی که بخش بخش بر تو نازل کردیم تا آن را بر مردم آرام آرام بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم» (ر.ک. بهجت پور، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۸).

مفهوم آیات فوق، اهمیت خلوص محتوا و خلوص روش در بیان مضامین و محتوای نازل شده بر پیامبر اکرم^(ص) را نشان می‌دهد و اینکه هدف از نزول قرآن و محتوای بلند آن و حتی بیاناتی که در چهارچوب سنت و در راستای نزول قرآن در اختیار پیامبر اکرم^(ص) قرار می‌گیرد^۲، جز در پرتو تبعیت کامل و خالص پیامبر^(ص) از محتوا و روش حاصل نمی‌شود. بنابراین ابتدا باید روش‌های تغییر و تحول فرهنگی و نهادینه کردن آنها را از قرآن استخراج کنیم. سپس روایات را به تبع آنها منظم کنیم، در مرحله سوم به تطبیق آیات قرآن بر کلیت جامعه ایرانی بپردازیم و در نهایت با توجه به تفاوت مخاطبان برای هر کدام اقدام مناسب را بر اساس رهنمودهای قرآنی و روایی تدبیر کنیم.

مرحله اول کشف الگوی اسلامی: سامان دادن به محتویات قرآن

پیش از بیان کیفیت استخراج الگوی اسلامی مهندسی از قرآن، تذکر دو نکته ضروری است:

۱. اهتمام قرآن به مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی

یکی از ابعاد مهم رسالت قرآن، تشکیل امت اسلام است. چگونه امت اسلام شکل گرفت و چه مسیری پیموده شد تا جمعی با عقاید و مناسک مشترک و اهداف و انگیزه‌های الهی، گرد هم آیند که علاوه بر پذیرش و تثبیت باورها و رفتارهای مشابه دینی، سربازان گسترش دین اسلام و تثبیت آن در سراسر عالم باشند و امت اسلامی را شکل دهند؟ شهید صدر به‌خوبی به این بعد از رسالت قرآن توجه کرده‌اند. به‌نظر وی رسالت قرآن، تشکیل امت اسلامی بود. این تحول در پرتوی دگرگونی جامعه‌ی جزیره‌العرب در سه بُعد شکل گرفت: آزادی از بت‌پرستی، آزادی خرد انسانی و آزادسازی انسان از بند شهوات

۱. قیامت / ۱۹-۱۶.

۲. اسراء / ۱۰۶.

۳. با توجه به آیه ۳۴ سوره نحل.

(صدر، ۱۴۲۱ هـ. ق: ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۲ و ۲۴۴).

شاگرد وی شهید سیدمحمدباقر حکیم با عبارت روشن تری از این هدف، یاد کرده است: ایجاد تغییر ریشه‌دار اجتماعی در جهان انسانیت از طریق راهنمایی بشر برای این تغییر و تشکیل پایگاه انقلابی که با این برنامه شکل گرفته و بر پایه این برنامه دگرگون شده است (حکیم، ۱۴۱۷ هـ. ق: ۴۸). به نظر وی فرایند خروج از ظلمات به سوی نور هدف اصلی نزول قرآن است (حکیم، ۱۴۱۷ هـ. ق: ۴۸). باید اذعان کرد که تشکیل جامعه مدل و نمونه اسلامی یکی از اهدافی است که عربی بودن، نزول تدریجی و حکمت پرداختن به بسیاری از مسائل و موضوعات جامعه عرب جاهلی در قرآن را توجیه می‌کند. جامعه عصر نزول، نقش پایگاه انقلاب و تحول در جهان را بر دوش گرفت. تشکیل چنین پایگاهی به مدد قرآن بود. قرآن خود بر رسالت پیامبر اکرم^(ص) در ایجاد تغییر جامعه عرب جاهلی تأکید کرده است و بر این نکته توجه داده است که قرآن دستورنامه ایجاد چنین تغییری است: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»؛ این کتابی را که فرو فرستادیم، فرخنده و بابرکت است؛ کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند و اوسیله‌ای است تا با آن مردم مکه و اطرافش را بیم دهی».

«وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» و بدین گونه قرآن عربی را به سوی تو وحی کردیم تا مردم مکه و پیرامون آن را هشدار دهی».

مردم مکه و اطراف آن به وسیله این قرآن انداز شدند، به حرکت افتادند، از ظلمات دور شدند و به راه مستقیم وارد شدند. پیامبر در اردوگاه شرک خیمه زد، بر باورها و اخلاقیات غلط آنها شورید. به جمع‌آوری یاورانی مؤمن از میان آنان پرداخت. به مدد آنها حکومت اسلامی تشکیل داد. مدینه‌النبی با یاری آنان و حمایت انصار یثرب شکل گرفت و همین گروه، پایگاه تشکیل امت اسلامی در سراسر عالم شدند.

قرآن با شیوه‌ها و فنون ویژه خود، انسان معاصر نزول را که به آن ایمان آورد، از وضع نامطلوب به وضع مطلوب رساند. هدایت، گذر دادن از وضع نامطلوب و رساندن به نقطه مطلوب است. آن نقطه مطلوب، رسیدن به سعادت، یعنی لذت‌های دائمی و خالص است. همه حرکت‌های اختیاری بشر، رسیدن به سعادت و خوشبختی و فرار از شوربختی و شقاوت را نشانه گرفته‌اند. لازمه رسیدن به سعادت، کمال و دوری از نقص است. هر اندازه

که کامل تر باشیم و توانایی‌های خود را شکوفا سازیم، از مشکلات فاصله می‌گیریم و به درک بهتر و بالاتری از لذت نائل می‌شویم. تلاش علمی و تجربی و عقلانی و شهودی، مرز کمال فردی و اجتماعی بشر و راه دستیابی به کمال و سعادت است.

مشکل انسان صرفاً مربوط به بُعد شناخت و معرفت او نیست، بلکه انسان باید توانایی‌های لازم برای حرکت تکاملی خود را به‌دست‌آورد، عواطف و احساسات و قوای ادراکی و عقلانی او چنان رشد یابند تا انگیزه‌های حرکت به جلو را در وی بدمند؛ به‌صورتی که شخص، دیگر توقف و سکون و پذیرش وضع موجود را نپسندد و میل‌های ضعیف حرکت، در او به عزم و اراده و امید وصول به کمال و سعادت تبدیل شده باشند. این تغییر و تحول روحی و ایجاد انگیزه و حرکت‌دادن برای خروج از نقص و شقاوت و حرکت به‌سمت راهی پابرجا که سعادت انسان را تأمین کند، از جمله اهداف بسیار مهم قرآن است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارش از تاریکی‌ها به‌سوی روشنایی بیرون آوری؛ به‌سوی راه آن شکست‌ناپذیر ستوده». این کتاب نه فقط برای نشان دادن راه، بلکه دستورنامه عملیات تغییر از وضع نامطلوب (تاریکی‌ها) به‌سوی نور است، ظرفیت ایجاد تغییر در مخاطب را دارد و انسان را به‌سوی راه‌خدایی که در آن غلبه و ستودگی است، می‌کشانند.

این آیه، سرلوحه فهم بسیاری از بیانات آگاهی‌بخش قرآن، تذکرات، پندها، بیم و امیددادن‌های قرآن است، حکمت بسیاری از مجادلات و مباحثات کلام‌الله مجید با مخالفان و اشخاص گرفتار در ظلمات را روشن می‌کند، توضیح‌دهنده چالش‌ها و درگیری‌های پیامبر اسلام^(ص) با سرکردگان تاریکی و تباهی است و فلسفه فرودآمدن بسیاری از دستورها و برنامه‌های تعالی‌بخش این کتاب مقدس می‌باشد.

به‌عبارت روشن‌تر هدف قرآن، ایجاد تغییر و تحول تدریجی در بستر زمان و متناسب با شرایط حاکم بر مخاطبان در انسان است. این هدف، ایجاب کرد تا خدای حکیم، محتویات قرآن را با سبک و ترکیبی ویژه در طول بیست و سه سال نازل فرماید و تأثیرات شگرف، گسترده، عمیق و پایداری را در حیات بشری به یادگار گذارد.

قرآن مجید، پیامبر^(ص) را در ایجاد تغییر و تحول در جامعه عصر نزول راهبری کرد. وی به‌مدد کتاب الهی، قومی را که در نهایت گمراهی بود، پرچم‌دار اصلاح و هدایت

جهان ساخت و امت اسلامی را بر پایه تلاش آنان تشکیل داد.^۱ بررسی‌های تاریخی گویای موفقیت پیامبر در تحقق این مهم است.

این منبع ارزشمند، با نظمی خاص و سبکی ویژه و حکیمانه (برای اثبات این سخن ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۸۴-۷۷)، نخستین گروه از مخاطبان خود را بسیار متحول نمود و از آنان شخصیت‌های مؤمن، معتقد و فداکار در راه آزادی انسان و گسترش ارزش‌های الهی به‌عمل آورد و جامعه‌ای دینی از آنان تشکیل داد که پایگاه تشکیل امت اسلامی باشند که گزارش آن در کلام جعفرین‌ابی طالب در دربار نجاشی آمده است (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵ هـ.ق: ۵۴-۵۵) و به‌خوبی تأثیر حضرت محمد(ص) را در عرب عصر رسالت نشان می‌دهد. انتخاب مکه و اطراف آن به‌عنوان مرکز ظهور اسلام، حکایت از حکمت‌های گوناگونی دارد که شاید یکی از مهم‌ترین آنها، نشان‌دادن ظرفیت‌های ویژه این دین و کتاب آسمانی آن، در ایجاد تحول همه‌جانبه در مخاطبان و نشان‌دادن ظرفیت این کتاب خصوصاً در بعد مهندسی فرهنگی باشد. فرهنگ مادری عرب و بهره بسیار اندکی که از مظاهر فرهنگ و تمدن در آن وجود داشت، عقاید سخیف و باورهای غلط، گمراهی و انحرافات فکری و رفتاری، روابط اجتماعی منحط و همراه با ظلم و تعدی و تجاوزی که میان آنان برپا بود، در مقایسه با تحول شگرف پس از ظهور اسلام، ظرفیت‌های تحول‌آفرین اسلام و قرآن را ظاهر ساخت: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛^۲ او خدایی است که در میان مردمی با فرهنگ مادری، رسولی از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر مردم بخواند و آنان را تزکیه کند و تعلیم کتاب و حکمت نماید؛ هرچند قبل از این در گمراهی آشکار بودند».

عربی که پیش‌تر، ارزش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نداشت و ابرقدرت‌هایی همچون امپراتوری ایران و روم و مصر آن را عددی به‌حساب نمی‌آوردند (لوبون، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۳)، کارش به‌جایی رسید که تمدن‌های مزبور را تحت سلطه و نفوذ فرهنگی خود درآورد و آنان را با تمام سوابق فرهنگی و تمدنی خود در خدمت گسترش این پیام جدید قرارداد.

۲. معاصران نزول، مصداق اول تحول‌آفرینی قرآن

البته دقت شود که ظرفیت قرآن در مورد تربیت و تحول همه‌جانبه انسان، فقط مخصوص

۱. این سخن به‌عنوان یکی از مبانی دستیابی به تفسیر تنزیلی در کتاب تفسیر تنزیلی، مبانی اصول قواعد و فواید از صفحه ۹۰ تا ۱۱۹ به‌بحث گذاشته شده و به اثبات رسیده است.

۲. جمعه / ۲.

مخاطبان نخست این کتاب و عرب هم‌عصر با پیامبر اکرم^(ص) نیست، بلکه قرآن را باید کتاب تحول انسان تا قیامت دانست؛ زیرا اولاً رسالت پیامبر اسلام^(ص) جهانی است که شاهد بر این مطلب، آیاتی از قرآن کریم است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ و تو را جز برای همه مردم نفرستادیم، در حالی که بشارت‌گر و هشدارگری»؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» و «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ؛ و قرآن جز یادآوری برای جهانیان نیست».

ثانیاً حضرت محمد^(ص) خاتم پیامبران است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ محمد^(ص) پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، ولیکن فرستاده خدا و پایان‌بخش پیامبران است» و «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاده، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند».

و ثالثاً میان محتویات اسلام با فطرت و آفرینش ویژه انسان توافق وجود دارد (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۶۸-۷۱): «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكِ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ پس روی خود را به دین حق‌گرایانه راست بدار؛ سرشت الهی که مردم را بر آن آفریده که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست. این دین استوار است».

اینها همه گواه جاودانگی و عمومیت پیام‌های قرآن است. پیام قرآن محصور در یک جامعه و یک گروه مخاطب نمی‌شود، بلکه با انسان در هر سطح و افق فرهنگی و اجتماعی و در هر زمانی سخن می‌گوید و کهنسالی بر او لباس کهنگی نمی‌پوشاند و خطاب به اشخاص خاص، مانع سخن با دیگران نمی‌گردد. قرآن از این جهت نظیر طبیعت و زمین است که قرن‌ها بر او گذشته، انسان‌هایی آمده و رفته‌اند و بر روی و درون آن جای گرفته‌اند و زمین در هر زمان، حاجت‌های آنان را کفایت کرده و نیازهای آنان را پیش‌بینی و ذخیره نموده است. نفت، گاز، اورانیوم، معادن و انواع رازگشایی‌هایی که از طبیعت داشته‌ایم،

۱. سبأ / ۲۸.

۲. انبیاء / ۱۰۷.

۳. قلم / ۵۲.

۴. احزاب / ۴۰.

۵. توبه / ۳۳.

۶. روم / ۳۰.

بیان‌گر ظرفیت بالای طبیعت است. این قابلیت، اهتمام متمادی محققان و پژوهشگران را در زمین باعث شده و رشته‌های گوناگون علمی و صنعتی را به وجود آورده است: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا * أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا؛ آیا زمین را جامع [نیازها و مایحتاج] قرار ندادیم؟ [هم در حال] حیاتش و [هم در حال] مرگش».

امام صادق^(ع) در پاسخ این سؤال که سر افزایش تازگی قرآن با وجود تکرار بحث در مورد آیات آن چیست، فرمودند: «لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِمَازَانَ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ. فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ چون خدای تبارک و تعالی آن را تنها برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده است؛ از این‌رو در هر زمانی و برای هر مردمی تا روز قیامت، تازگی و طراوت دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق: ۲۵).

امام رضا^(ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «فِي صَفَةِ الْقُرْآنِ ... هُوَ ... لَا يَخْلُقُ عَلَى الْأَزْمَنَةِ وَ لَا يَغْتَلِي عَلَى الْأَلْسِنَةِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِمَازَانَ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جَعَلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَ الْحُجَّةَ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ ... (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۱۲۰)؛ قرآن ... بر اثر گذر زمان‌ها کهنه نمی‌شود و زبان‌های گوناگون، آن را به انحطاط و تباهی نمی‌کشد؛ چرا که قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشده، بلکه راهنمای برهان و حجت بر هر انسانی در نظر گرفته شده است ...»^۲.
باتوجه به مقدمات بالا به بیان روش استخراج الگوی اسلامی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی در مرحله اول با مراجعه به قرآن می‌پردازیم:

تفسیر سوره‌ای و موضوعی ترتیب نزولی در خدمت کشف مهندسی

مطالعه ترتیب نزول در جریان فرهنگ‌سازی باید در دو مرحله انجام شود: مطالعه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها و مطالعه بر اساس ترتیب نزول موضوعات. در مطالعه اول، تمام قرآن به مثابه یک کل جامع در جریان فرهنگ‌سازی بررسی می‌شود و با مطالعه مراحل تدریجی نزول قرآن، کیفیت‌های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی جامع قرآن استخراج می‌شود، اما مطالعه دوم، اختصاص به عناصر فرهنگی دارد. در این مطالعه، بررسی می‌شود که این عنصر فرهنگی چه موقعی آمد و پیش از آنچه عناصری مطرح

۱. مرسلات / ۲۶-۲۵.

۲. درباره روش‌های جری و تطبیق جامعه کنونی بر جامعه معاصر نزول (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۰۳).

شد و آن عناصر چه نسبتی با این عنصر داشته‌اند. این عنصر چگونه عنصر ضد فرهنگی خود را کنار زد؟ چگونه ابهامات یا مقاومت‌هایی را که در برابرش شد، شکست؟ چگونه فرهنگ شد و با چه ابزاری تثبیت شد و پایش و رصد از آن به عمل آمد؟

دستاورد مطالعات سوره‌ای به ترتیب نزول قرآن

مطالعه سوره‌ای، به بررسی جامع جریان کلی تحول در دوره پیامبر^(ص) می‌پردازد؛ یعنی وقتی پیامبر وارد جامعه‌ای شد که هنوز مدنیت و تمدن نداشت و خدا خواست تا با اقدامات پیامبر و به مدد قرآن جامعه‌ای متمدن شکل دهد و آنها را اساس تشکیل امت اسلامی قرار دهد (صدر، ۱۴۲۱ ه. ق: ۲۴۵-۲۳۷)، چه اقداماتی انجام داد؟ از کجا شروع کرد و به کجا ختم نمود؟ در مجموع چه عناصری را استخدام کرد و چگونه آن عناصر را در کنار هم نشاناند و از آنها فرهنگ اسلامی را تولید کرد؟ سپس با نمایه زدن و تهیه عناوین مرتبط با فرهنگ، این اقدامات را در چهارچوب اصطلاحات فرهنگ تعریف کرد. ما برای اینکه با جریان این تمدن آشنا بشویم، چاره‌ای جز این نداریم که آن شرایط و فضا را بازسازی کنیم و خود را با استفاده از ابزار علمی، به واقعیت آن صحنه عظیم تحولی نزدیک کنیم و با کشف گام‌های تحولی قرآن، به کشف مدل تحول آن جامعه دست یابیم. تفسیر تنزیلی که در تفسیر «همگام با وحی»^۱ پیگیری کرده‌ایم، دقیقاً به دنبال همین هدف است و می‌خواهد بگوید که قرآن در فرآیند تحول، از کجا شروع کرد؟ چگونه شروع کرد؟ و به کجا رسید؟

دستاورد مطالعات موضوعی به ترتیب نزول قرآن

قسمت پیش گفته، تنها بخش اول فهم سیر تحول‌سازی قرآن است و کار به اینجا ختم نمی‌شود؛ بلکه با این کار زمینه‌ای فراهم می‌شود تا عناصر اصلی تحول را دریابیم. عناصری که باعث تحول در جامعه مخاطب می‌شوند و آن را تبدیل به جامعه‌ای دینی می‌نمایند. بنابراین در مرحله دوم باید با تحلیل آیات و سوره‌های قرآن بر اساس تفسیر موضوعی تنزیلی، تک تک این عناصر را استخراج کرده، بر اساس فلسفه حاکم بر آن، نظام مهندسی‌اش را کشف نموده، به سؤالات ذیل پاسخ مناسبی دهیم: این موضوع را از کجا باید شروع کرد و به کجا ختم نمود؟ موضوعات پیش‌نیاز کدام‌اند؟ این موضوع

۱. تاکنون سه جلد این تفسیر شامل ۴۶ سوره به ترتیب نزول (علق تا واقعه) چاپ شده است.

مؤثر بر کدام موضوعات دیگر است؟ و به تعبیر جامع «شبکه موضوعات مرتبط به این موضوع» چیست؟

در مرحله بعد باید نظام بین هر کدام از عناصر فرهنگی را کشف کنیم و آنگاه بگوییم کل فرهنگ چگونه مهندسی می‌شود؟ بر این اساس، مرحله سومی در کار با قرآن خواهیم داشت که تألیف نظام‌های خرد، برای رسیدن به نظام کلان است و فعلاً درصدد بیان آن نیستیم.

به‌عنوان مثال در موضوع امر به معروف و نهی از منکر بر اساس این روش، با مسائلی از این قبیل مواجهیم: در جامعه‌ای که اصلاً معروفی وجود ندارد و فضای گفتمانیش منکرات است، از کجا باید شروع کرد؟ آیا می‌شود در جامعه شرک‌زده امر به معروف کرد؟ و اگر می‌شود اولین موضوع باید چه باشد؟ موافق ترتیب نزول پیامبر قبل از رسالتش امر به تقوی می‌کرد؟^۱ اگر چنین است، تقوایی که در آن زمان مورد امر قرار می‌گرفت، چه معنایی داشت؟ روش امر به تقوا در آن زمان چگونه بود؟ جایگاه امر به تقوا در چنان شرایطی در جریان فرهنگ‌سازی چه بوده است؟ در جامعه بعد از شروع رسالت و نیز جامعه‌ای که سهم و بهره‌ای از معارف و تربیت‌های وحیانی دارد چه‌طور؟ و همین‌طور پیش بیایم تا به این مسئله برسیم که چه موضوعاتی را باید با چه مخاطبی و در چه زمانی مطرح کرد تا به تدریج روح مسئولیت اجتماعی را زنده نمود و روح ولایت و پیوستگی بین مردم را برقرار کرد تا در یک نقطه، این رابطه پیوستگی سرانجام به‌جایی برسد که گفته شود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲ و امر به معروف و نهی از منکر بخشی از هویت و فرهنگ دینی جامعه اسلامی شود.

۱۰۲

مرحله دوم کشف الگوی اسلامی: ساماندهی به محتویات سنت

سنت، منبع دومی است که در استخراج الگوی اسلامی مهندسی فرهنگ و تحول فرهنگی کمال اهمیت را دارد. مراد از سنت، گفتار، رفتار و تقریر و تأیید معصومان^(ع) است. میان مسلمانان در ضرورت مراجعه به سنت پیامبر اکرم^(ص) تردیدی وجود ندارد. پیروان مکتب اهل بیت^(ع)، سنت ائمه اطهار^(ع) را به سنت پیامبر^(ص) الحاق می‌کنند و اهل سنت از سنت

۱. علامه طباطبایی در ذیل آیه «أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى» (العلق/۱۲) می‌فرماید: و سیاق الآیات - علی تقدیر کون السورة أول ما نزل من القرآن و نزولها دفعة واحدة - يدل علی صلاة النبی^(ص) قبل نزول القرآن و فيه دلالة علی نبوته قبل رسالته بالقرآن (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵).

۲. توبه/۷۱.

صحابه سخن به میان آورده‌اند.^۱

پیامبر اکرم (ص) در باب دعوت اسلامی و تربیت قرآنی مسلمانان شئون گوناگونی دارد: از جمله آنها قرائت^۲، تلاوت^۳ و تعلیم قرآن به مردم^۴، تبیین و تفصیل مجملات قرآن^۵، ایجاد تحول روحی و معنوی در مردم^۶ است. تا زمانی که حضرت در قید حیات بودند خود این شئون را درباره قرآن انجام می‌دادند و پس از آن قرآن و عترت را به‌مثابه دو گوهر گران‌مایه، میراث خود برای مسلمانان شمردند و مسئولیت‌های خود از جمله مسئولیت‌های قرآنی خود را به آنها سپردند.

توضیح آنکه، خدای متعال با بعثت پیامبر اکرم (ص) و با ملاحظه خاتمیت رسالت ایشان^۷، راه روشن و مستقیمی را فراروی بشر ترسیم کرد و توسط وی مردم را به این راه دعوت کرد^۸. سپس با عنایت به امکان پدیدارشدن ابهاماتی در فهم راه و ویژگی‌های آن یا انحراف‌افکنی و بدعت آفرینی در راه مستقیم و نیاز نسل‌های بعد به دستیابی سالم و مطمئن به پاسخ‌های متناسب با نیازهای جدید (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۹: ۱۸۴-۱۸۳)، ائمه (ع) را مأمور نگهداری از هدایت‌گری قرآن و راه روشن آن و شادابی و مراقبت از ایجاد انحراف و اعوجاج در آن و تکمیل و تفصیلات متناسب با نیازهای نوپیدای جامعه قرار داد^۹. لذا برخی از احکام دین در زمان و از زبان ایشان بیان شد. در جای خود مبرهن است که این نوع تشریح، منافاتی با جامعیت قرآن کریم ندارد (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

روایات معصومان (ع) در باب فهم قرآن به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱. گروهی از

۱. درباره دلایل و براهین درستی دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت (ع) (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۱: ۴۲۷-۲۹۳)

[درس‌های حجیت سنت اهل بیت (ع) و حجیت قول صحابه].

۲. اسراء/۴۵ و ۱۰۶ و قیامت/۱۸.

۳. نمل/۹۲؛ بقره/۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴؛ یونس/۱۶ و قصص/۵۹.

۴. سوره جمعه/۲.

۵. سوره نحل/۴۵-۴۴.

۶. ابراهیم/۱.

۷. احزاب/۴۰؛ «ما كان مُحَمَّدًا اَبًا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُوْلَ اللهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّنَ وَ كَانَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا».

۸. ابراهیم/۱؛ «كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ بِاِذْنِ رَبِّهِمْ اِلَى صِرَاطٍ اَلْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ».

۹. به‌نظر شیعه، پیامبر اکرم (ص) همه تبیینات قرآن را به‌شیوه خاص به علی (ع) و از طریق ایشان به دیگر امامان معصوم آموزش داد و آنها را در اختیار اهل بیت (ع) قرار داد و سپس مردم را به آنان ارجاع داد. این مهم از روایات چندی استفاده می‌گردد (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق: ۶۴، باب اختلاف الحدیث؛ صفار، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۲۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ هـ.ق: ۱۴ و بحرانی، ۱۴۱۶ هـ.ق: ۱۳۸، ۱۴۲ و ۱۴۳).

روایات در صدد بیان معنا و مفهوم آیه و مراد خدای متعال هستند. گاهی اصطلاح «روایات تفسیری» بر خصوص این دسته اطلاق می‌شود. ۲. روایاتی که موارد نزول آیات را بر مردم و محیط اجتماع خود، تطبیق داده‌اند. این دسته، روایات جَرّی و تطبیقی است که توسط ایشان صورت پذیرفته است. در این دسته روایات ائمه اطهار^(ع) واقع خارجی معاصر پیامبر^(ص) را بر واقع خارجی زمان خود تطبیق فرموده‌اند. توجه شود که بر واقع خارجی زمان پیامبر اکرم^(ص) و معاصران نزول قرآن «تنزیل» و به موارد نزول زمان پس از ایشان، «تطبیق» اطلاق می‌شود. ۳. روایاتی که نه ابهامی را از آیه برطرف می‌کنند و نه مصداقی را برای مفهوم آن بیان می‌کنند؛ بلکه در واقع ادامه وحی درباره موضوع آیه محسوب می‌شوند. به عنوان مثال آیه می‌گوید نماز بخوانید و روایت چگونگی و کیفیت نماز را بیان می‌کند. یا آیه می‌گوید در حالت خوف نماز را به قصر بخوانید و روایت می‌گوید این حکم در حالت سفر بدون خوف هم جاری است. این دسته از روایات را «روایات تبیینی» می‌نامیم که در واقع وحی ضمیمه شده به قرآن است که در اختیار رسول الله^(ص) و اهل بیت مطهر ایشان^(ع) قرار گرفته و در آیات ۱۹ سوره قیامت و ۴۴ نحل به آن اشاره شده است: در سوره قیامت (نزول ۳۱) می‌فرماید: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْلَجَ بِهِ (۱۶) إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

خدای متعال در این آیات بیان می‌فرماید که جمع کلمات در آیات و جمع آیات در سوره‌ها بر ما است و وقتی آن را خواندیم، لازم است پیامبر اکرم^(ص) تابع قرائتش باشد، آنگاه تبیین اینها هم کار ماست. بنابراین خدای متعال وحی خاصی دارد که پیامبر اکرم^(ص) باید بر اساس آن، قرآن را تبیین نماید.

اما اینکه این وحی تبیینی به پیامبر اکرم^(ص) می‌رسد و ایشان باید آن را به اجرا در آورند، در سوره نحل (نزول ۷۰) بیان شده است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)»؛ در این آیه مراد از آنچه به‌سوی مردم نازل شده، همان قرآن است و ذکر، وحی دیگری است که بر پیامبر اکرم^(ص) نازل شده تا بتواند بر اساس آن، قرآن را برای مردم تبیین کند. چنانکه در سوره نجم (نزول ۲۳) فرمود: «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى (۲) وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (۴) عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (۵)».

۱. ظهور روایت ذیل در همین نوع از هدایت است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ^(ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِيهَا عَالَمٌ كَيْمَا إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهْمُ وَ إِنْ نَقَصُوا شَيْئاً أْتَمَّهُ لَهُمْ (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ. ق: ۱۳۸، ح ۳).

پس تبیین رسول و اهل بیت^(ع) تابع قرآن است. بنابراین اگر می‌خواهیم مهندسی فرهنگی را بر اساس قرآن سامان بدهیم، در مرحله اول باید سراغ قرآن برویم و پس از کشف مهندسی در قرآن، سراغ سنت برویم و سنت را متناسب با آن سامان بدهیم. بر این اساس باید نسبت سنت با قرآن را به‌طور دقیق دریابیم و بفهمیم سنت در طول زمان، چه بخش‌هایی از جریان فرهنگ‌سازی قرآن را ترمیم و یا تکمیل کرده است. طبق این روش، سنت تکمیلی اهل بیت^(ع) منافاتی با محوریت قرآن ندارد، بلکه در طول آن است. نکته قابل توجه این است که این مرحله، متأخر از عرضه روایات بر قرآن برای تشخیص صحت و سقم آنها است. مسئله این مرحله این است که چگونه باید روایات را تدوین کنیم و سامان دهیم که تکلیف خود را در کشف روش تربیت و فرهنگ‌سازی بر اساس روایات اهل بیت^(ع) بیابیم؟

به‌نظر می‌رسد بهترین راه آن است که روایات معتبر را بر اساس قرآن و تابع مهندسی قرآن، سامان دهیم.

گونه‌های استفاده از روایات در مهندسی

باعنایت به اینکه در مرحله اول کشف الگوی مهندسی فرهنگی قرآن، به‌دنبال کشف فرایند تحول‌سازی قرآن در مردم معاصر نزول هستیم، روایات تفسیری (دسته اول) پژوهشگران را در شناخت دقیق و توضیحات تکمیلی مربوط به این مرحله کمک می‌دهد؛ زیرا این روایات هم مفاد آیات را توضیح می‌دهد و هم افراد و اشخاصی را که آیات برای داوری در رفتار آنها فرود آمده‌اند روشن می‌کنند. روایات دسته دوم، به کار کیفیت جریان دادن آیات بر اشخاص و افراد معاصر اهل بیت^(ع) می‌آیند. محققان بر پایه این اطلاعات، کیفیت جریان دادن قرآن را بر معاصران خود فرا می‌گیرند و روش و قواعد جری و تطبیق، آیات را بر افراد و جوامع نوپدایی که در معاصر نزول قرآن نبوده‌اند، به‌دست می‌آورند؛ چون قرآن نیازهای هدایتی مردم را به دو گروه اجمالی و تفصیلی تقسیم کرده است و تفصیل مجملات خود را برعهده معصوم گذاشته است؛ روایات تبیینی پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع)، پژوهشگران را در شناخت تفصیلی راهی که در قرآن ترسیم شده است، یاری خواهد کرد. به‌عبارت روشن‌تر، روایات تبیینی رسول اکرم^(ص)، استمرار ظرفیت فرهنگ‌سازی قرآن توسط ایشان در زمان نزول قرآن و روایات تبیینی اهل بیت^(ع) ایشان، استمرار و ادامه آن در زمان‌های بعد از رحلت رسول اکرم^(ص) می‌باشد. هر دوی این روایات تبیینی، باید در

جریان فرهنگ‌سازی مبتنی بر قرآن و وحی ملاحظه شوند. البته بر اساس برخی روایات، احتمالاً این جریان در زمان ظهور حضرت ولی عصر^(عج) توسط ایشان ادامه خواهد یافت.^۱ به صورت خلاصه می‌توان گفت: مطالعه روایات تبیینی، پژوهشگران را در کشف تکلیف متصدیان فرهنگی در عصر غیبت موفق می‌کند.

از این توضیحات روشن شد که بعد از گردآوری آیات موضوعی بر اساس ترتیب نزول، باید مجموعه روایاتی را که از معصومان^(ع)، رسیده و نقش تبیین و تفصیل هریک از آیات را دارند، ذیل آیات بیاوریم تا مهندسی فرهنگ و کیفیت مهندسی فرهنگی اسلام را ترسیم نماییم. مثلاً اگر درباره توحید تحقیق می‌کنیم، باید روایات مبین درباره هر کدام از انواع شرک یا توحید ربوبی یا شرک و توحید عبادی را ذیل آیات مرتبط جمع‌آوری نماییم.

۱۰۶

کیفیت ساماندهی و ترتیب روایات

نکته لازم آنکه در سامان دادن روایات، باید به ترتیب زمانی آنها نیز توجه داشت و حتی‌المقدور زمان صدور و شرایط صدور آنها را مراعات کرد. روایات هر یک از معصومان^(ع) را باید به ترتیب زمان رسالت پیامبر^(ص) و امامت ائمه^(ع) بررسی کرد و به اختلافی که ممکن است از این جهت در روایات بروز کرده باشد، توجه نمود.

به‌طور مثال، بیان و آشکارسازی نجاست خمر در کلمات وارده از اهل بیت^(ع)، تا دوره امام صادق^(ع) مطرح نشده است و از خود امام صادق^(ع) هم دو نوع روایت نقل شده که بخشی از آنها دال بر عدم نجاست و صحت نماز با لباس آغشته به خمر (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق: باب ۳۸، احادیث ۱۴-۱۰) و برخی بر نجاست و عدم صحت آن (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق: باب ۳۸، احادیث ۱، ۳، ۵ و ۷) است و پس از ایشان هیچ امامی عدم نجاست آن را مطرح نکرده است و هرگاه از ائمه بعدی در این باره سؤال شده فرموده‌اند به روایات دال بر نجاست عمل شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق: باب ۳۸، احادیث ۲ و ۴)؛ لذا هرچند برخی در فقه مسئله، میان روایات تعارض دیده‌اند و درصدد حل آن از طریق کنار گذاشتن روایات دسته اول شده‌اند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۴۱۷ هـ.ق: ۲۵۸-۲۴۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸ هـ.ق: ۸۸-۸۳؛ صدر، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۳۵۳-۳۲۸؛ حلی، ۱۳۷۹

۱ قال أبو جعفر^(ع): و الله لکأنی أنظر إلیه بین الرکن و المقام یبایع الناس بکتاب جدید و أمر شدید و سلطان من السماء لا ترد له رایة (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ هـ.ق: ۲۶۰)؛ احتمالاً مراد از کتاب جدید در این روایت تفسیرها و تبیین‌های ایشان باشد و تغییر ترتیب مصحف قرآنی توسط ایشان معلوم نیست؛ لذا نمی‌توان از این روایت جواز چنین تغییری در عصر غیبت را استفاده کرد.

ه.ق: ۴۷۹-۴۷۷ و...)، اما با نگاه تاریخی به این مسئله، معلوم می‌شود حکم نجاست خمر تا زمان امام صادق^(ع) آشکار نشده بود و از دوره امام صادق^(ع) حکم نجاست بیان شده است، لذا از این زمان باید بی‌تردید، مطابق حکم نجاست عمل شود. این ملاحظه می‌تواند برخی از گره‌های فقه و علت تعارض ظاهری برخی روایات را - که بر تقیه و مجاز و... حمل می‌شود - حل کند.

نکته قابل بررسی آنکه آیا اگر جامعه هدف در شرایطی بود که تحمل هر دو حکم (مثل حرمت آشامیدن و نجاست مشروبات الکلی) را داشت، هر دو حکم به جامعه و مردم ابلاغ شود یا آنکه مطابق سیر صدوری آنها ابتدا حکم اول و سپس حکم دوم در مهندسی مورد توجه قرار گیرد؟ یعنی موافق سیر آشکارسازی احکام عمل کرد و در مورد مثال، ابتدا حرمت شرب مشروبات الکلی را بگوییم و بعد از جامعه‌پذیری و فرهنگ‌شدن آن، به فرهنگ‌سازی نسبت به تبلیغ نجاست آن هم اقدام نماییم؟

۱۰۷

مرحله سوم کشف الگوی اسلامی: تعمیم جامعه هدف از راه انطباق مردم بر آیات

در تعریف قاعده «جری و تطبیق» گفته می‌شود، آیاتی که درباره افراد و اقوامی نازل شده است، به دلیل تشابه و اشتراک افراد و اقوام دیگر در ملاک موجود در آیه، بر آنها تطبیق می‌شود^۱. نکته مهم این است که به‌طور مثال، در مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی مردم ایران، جری و تطبیق جامع انجام دهیم، یعنی کل قرآن را از رابطه‌ای که با مردم معاصر نزول داشته، منفک کرده و بر کل جامعه جدید (به‌طور مثال ایران) تطبیق نماییم. بنابراین از تطبیق بر گروه یا فرد خاص فراتر رفته‌ایم.

بررسی محتوای آیات قرآن، روشن می‌کند که قرآن متنی^۲ است که با واقع^۳ مرتبط و ناظر به آن بوده است. آن واقع، جامعه عربی معاصر پیغمبر^(ص) بود. هر آنچه از مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی گذشت، مربوط به آن جامعه و در راستای تغییر و تحول آنها بود. اما زبان قرآن، زبان فطرت است و با آفرینش ویژه انسان، فارغ از زمان و مکان

۱. علامه طباطبایی می‌فرماید: ان للقرآن اتساعاً من حیث انطباقه علی المصادیق و بیان حالها فالآیه منه لا یختص بمورد نزولها بل یجری فی کل مورد یتحد مع مورد النزول ملاکاً کالأمثال التي لا تختص بمواردها الأول، بل تتعداها إلى ما یناسبها وهذا المعنی هو المسمی بجری القرآن (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ق: ۶۷).

۲. Text: متن، نوشته، نص.

۳. Context: موقعیت، زمینه، شرایط.

و جنسیت آنها ارتباط دارد. در این مرحله، کل قرآن را که ناظر به آن جامعه بود، به کل جامعه و مردمی که هدف مدیران و کارشناسان مهندسی هستند، تطبیق می‌کنیم و به عبارتی «کل واقع خارجی امروزی» را به جای «کل واقع خارجی معاصر نزول» می‌گذاریم. این کار شبیه این است که بخواهیم یک ابزار را جایگزین ابزار دیگری کنیم. اگر این دو ابزار، با دقت کافی استانداردسازی نشده باشند، نمی‌توان جایگزینی مذکور را به درستی انجام داد و هر لحظه امکان خطا در اتصال و حتی ناکارآمدی ابزار یا تخریب محل اتصال وجود دارد.

در روایات، بر این مطلب تأکید شده که قرآن درباره تمام امت‌ها تا روز قیامت جاری است^۱، بنابراین باید خود را به قرآن عرضه کنیم و ببینیم اگر قرآن می‌خواست امروز با شما سخن بگوید، چه می‌گفت؟ اما جری و تطبیق هر دوره و هر فردی، اقتضانات خاص خود را دارد؛ بنابراین لازم است در این مرحله، دقیقاً مشخص شود بر اساس داشته‌های دینی با محوریت قرآن - که در مراحل اول و دوم گردآوری و جمع‌بندی می‌شود - باید چگونه اقداماتی در مواجهه با مجموع جامعه ایرانی امروزی انجام دهیم؟ مثلاً در باب حجاب در ایران، باید از کجا شروع کرد؟ آیا با جامعه‌ای مواجهیم که نسبت به این آموزه بیگانه است و باید از آشنا کردن جامعه با مفهوم و حدود حجاب آغاز نمود؟ یا آنکه جامعه ایرانی در مرحله پایش فرهنگی است؛ یعنی حجاب را پذیرفته‌اند، اما در اثر عواملی به تدریج از این وظیفه دینی فاصله گرفته است و در حال برگشت و عقب‌گرد از پوشش اسلامی قرار دارد؛ در نتیجه بر مدیران فرهنگی فرض است تا صرفاً نسبت به مسئله پوشش اسلامی آسیب‌شناسی کنند و موانع پیش روی بقا و رشد و توسعه فرهنگ حجاب را برطرف کنیم؟ به تعبیری دیگر، آیا جامعه ما مثل جامعه جاهلی است و مثلاً از نظر عفت جنسی در بدترین شرایط است و ما باید آرام آرام مقدمه‌چینی کنیم تا به حجاب برسیم، یا ارزش پوشش در جامعه گذشته ما نهادینه شده است و جامعه امروزی این ارزش را آرام آرام از دست می‌دهد و باید با نهی از منکر جلوی این بازگشت را بگیریم و مراقب افتادن آحاد جامعه در دام گرفتاری‌های جنسی باشیم؟ آیا بیماری را باید سالم شویم یا سالمیم و رو به بیماری هستیم و باید جلوی شیوع و خطرسازی بیماری را بگیریم؟ یا با ترکیبی از این شرایط مواجهیم و باید از هر دو راه استفاده کنیم؟

۱. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق: ۱)؛ کتاب القرآن؛ [أبواب فضله و أحكامه و إعجازه]؛ باب ۱: فضل القرآن و إعجازه و أنه لا يتبدل بتغير الأزمان و لا يتكرر بكثره القراءة و الفرق بين القرآن و الفرقان.

قابل توجه آنکه تفاوت باور و بینش عمومی جامعه و مردم معاصر نزول در هدایت‌گری خود قرآن نیز رعایت شده است؛ سوره‌ای که در جامعه جاهلی مکه نازل می‌شود، به لحاظ پیام‌ها و حتی ساختار بیانی، به صورت کاملاً طبیعی با سوره‌ای که بر جامعه دینی مدینه نازل می‌شود، متفاوت است. لطیف آنکه اساساً نزول قرآن به سوی همه مردم و در گستره تمام تاریخ تا قیامت ایجاب کرده است تا خدای متعال، حتی مطالبی را که می‌توانسته به صورت خصوصی با پیغمبرش بگوید، نامه سرگشاده کرده است و همگان تا قیامت می‌توانند و بلکه (متناسب با جایگاه خود) باید این مطالب را بخوانند و بدانند بین خدا و پیامبرش چه گذشته است تا مدیران با تطبیق خود بر این مذاکرات و انتظارات، وظیفه‌های جدید خود را شناخته و مطابق آن عمل کنند.

همان‌گونه که اشاره شد، اهل‌بیت^(ع)، در موارد فراوانی آیات قرآن را بر مخاطبان و جامعه خود تطبیق کرده‌اند و این کار را ترویج نموده‌اند؛^۱ بلکه بخش قابل توجهی از روایات ایشان در باب قرآن از قبیل «جری و تطبیق» است؛ مثلاً گفته‌اند: این آیه درباره ما و این یکی درباره دشمن ما است. گاهی هم با روایاتی مواجهیم که به نظر می‌رسد آیه فراتر از آن است، اما امام معصوم^(ع) تنها یک قسمت را می‌گوید؛ زیرا تنها همان قسمت از آیه بر زمان ایشان تطبیق می‌شد (برای بررسی بیشتر ر.ک. بهجت پور، ۱۳۹۱: ۳۴۲-۳۳۰). برخی از علمای تفسیر^۲ معتقد به انحصار جواز جری و تطبیق فقط در معصومان^(ع) هستند، اما از ادله روشن می‌شود که این‌گونه نیست؛ بلکه هر کسی که به محتوا و روش قرآن و نیز به جامعه مخاطب خود، آگاهی دارد، می‌تواند جریان معارف قرآن در آن جامعه را دریابد و بیان کند. البته این کار نیز ضوابطی دارد و باید آنها را با دقت در ویژگی‌های قرآن و نیز با مطالعه و تحلیل تطبیق‌های اهل‌بیت^(ع) و بر اساس تقسیم تمام ویژگی‌هایی که احتمالاً در حکم دخیل‌اند - مثل عرب بودن، مرد بودن، قوم و خویش پیامبر بودن، اسلام، سؤال داشتن و ... - تک به تک بررسی می‌کنیم تا ویژگی خاصی را که ملاک حکم

۱. ... وَ لَوْ أَنَّ آيَةً نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتُوا أَوْلَيْكَ مَاتَتِ الْآيَةُ إِذَا مَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ إِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ وَ آخِرُهُ إِلَى أَوَّلِهِ مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَلِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتْلُونَهَا [هُمُ مِنْهَا فِي خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ] كَقِرَاتٍ كَوْفِي، ۴۱۰ هـ. ق: ۱۳۹).

۲. استرآبادی، ۱۴۲۴ هـ. ق: ۱۲۸ و حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق: ج ۲۷، باب‌های ۴ تا ۷ از کتاب القضاء، ابواب صفات قاضی، ذیل مطالب آورده شده: ... محتوای این احادیث این است که محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص و چیزهای دیگر قرآن را جز ائمه^(ع) کسی نمی‌داند و برای دانستن آنها باید به در خانه اهل‌بیت^(ع) رفت. همچنین تفسیر و تأویل آیات و ظاهر و باطن آنها را فقط اینان می‌دانند و قرآن را چنانچه نازل شده، تنها ایشان می‌شناسند.

است، کشف کنیم و حکم را بر همان اساس و ملاک، بر جامعه امروزی تطبیق نماییم (برای بررسی بیشتر ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۳۲).

دانش‌های کمک‌رسان به تعمیم جامع

روشن است که برای تطبیق کل جامعه و مردم معاصر نزول، بر جامعه و مردم ایران امروز، نیازمند تطبیق جامع هستیم. این کار از جهت گستره قلمرو مخاطب و تنوع آن مشکل‌تر است و حتماً باید با حلم و بردباری انجام شود. تطبیق قرآن بر جامعه و مردم معاصر پیچیدگی‌هایی دارد که حضور کارشناسان مختلف را در حوزه‌های علمی گوناگون مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی طلب می‌کند. آیات قرآن حتی درباره اداره حکومت از جانب پیامبر (ص)، وی را مأمور به مشاوره با مردم می‌کند: «و مشاورهم فی الامر»^۱ و در مدح و ثنای مؤمنان متوکل، آنها را اهل مشورت می‌شمرد: «و امرهم شوری بینهم»^۲.

در مرحله سوم مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی لازم است تا کارشناسان و صاحب‌نظران گوناگون و مرتبط با حوزه‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به کمک طلبیده شوند. کار این علوم تشخیص مصداق است؛ آنها با شناختی که از واقع جامعه دارند و متکی بر دانش و تحقیقات میدانی، توضیح خواهند داد که جامعه و مردم هدف، اکنون در چه مقطعی از تحول فرهنگی مطلوب هستند. یا در باب هر یک از عناصر فرهنگی در چه جایگاهی قرار دارند؟ مؤلفه‌ها را دارند و کدام را ندارند؟

برای رسیدن به این هدف، باید سؤالاتی (به صورت مشترک توسط متخصص قرآنی و دانش‌های مربوطه) تنظیم شده، پاسخ آنها از مطالعه ساختارها و مردم هدف به دست آید. مقدمه این کار، تبیین شاخصه‌های سؤالات از طرف مفسر است. پس از آن، فرم‌هایی بر اساس سؤالات تهیه می‌شود و پس از تأیید نهایی فرم، با احتمال درصدی از خطا و ضریب اطمینان مشخصی، اقدام به نظرسنجی خواهد شد. دانشمندان علوم دیگر با توجه به مطالعات علوم تجربی خود، از جامعه هدف به گونه‌ای نمونه‌برداری می‌کنند که واقعیت اجتماع را نشان بدهد. مثلاً باید ترکیب گروه‌های هدف از نظر گروه‌های سنی و ساکنان روستاها و شهرها و تحصیل‌کنندگان در مراکز علمی متنوع و متفاوت و دیگر طبقه‌بندی‌های مؤثر در جامعه ملاحظه گردد تا بر اساس خروجی آن به قضاوتی درباره کلیت جامعه مخاطب برسیم.

۱. آل عمران / ۱۵۹.

۲. شوری / ۳۸.

نتیجه این قضاوت آن است که در هر جامعه‌ای درمی‌یابیم کدام موضوعات تبدیل به فرهنگ شده و نیازی به طرح تفصیلی آنها نیست و تنها به پایش و رصد و مراقبت نیاز دارد؟ کدام عنصر فرهنگی مفقود است؟ موارد نیاز جامعه نسبت به هر یک از عناصر فرهنگی به چه میزان است؟ کدام عناصر و تحت تأثیر چه عواملی متغیر شده‌اند؟ وقتی به نظام مشخصی برای ایجاد یک عنصر فرهنگی برسیم، مرحله سوم نشان می‌دهد نقطه عزیمت کجاست. از کدام مطلب باید با اشاره یا بدون آن عبور کرد و کجا را باید توضیح داد؟

جامعه، هدفِ تعمیمِ جامع

از توضیحات مذکور معلوم شد در مرحله سوم نسخه‌ای تجویز می‌شود که متناسب با فضای عمومی جامعه و برآیند همه گروه‌های جامعه باشد و ظرفیت‌های کل گروه‌ها و افراد درون یک جامعه در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در مهندسی فرهنگ جامعه - همان‌گونه که از نامش برمی‌آید - اشخاص موضوع مطالعه نیستند، بلکه جامعه و مردم با هویت جمعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بسیاری اشخاص ممکن است با اراده شخصی یا ضعف شخصیت و دلائلی، از روند عمومی و جریان طبیعی فرهنگی جلوتر یا عقب‌تر باشند. مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی به جنبه‌های گسترده و عام فرهنگ‌سازی توجه دارد و به معدل عمومی جامعه و مردم توجه می‌کند. به عبارت دیگر، عموم افرادی معیار نیست؛ بلکه عام مجموعه معیار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. باید وضعیت عمومی مردم یک جامعه را در نظر بگیریم و بدانیم این جامعه به‌عنوان جامعه هدف، چه جامعه‌ای است؟ مردم این جامعه، چه چیزی را پذیرفته‌اند و با چه چیزی مشکل دارند؟ چه چیزی را زشت می‌دانند و مرتکبش نمی‌شوند و متوجه زشتی کدام منکر نمی‌شوند و درباره‌اش جامعه‌باوری و جامعه‌پذیری اتفاق نیفتاده است؟

تأثیر نتایج تعمیم جامع بر عملیات فرهنگی

از آنجا که بدون این تطبیق، ممکن است هزینه و امکانات فرهنگی و تبلیغی کشور در غیر محل خود صرف شود، نمی‌توان از نتایج به‌دست آمده از این طریق چشم‌پوشی نمود. به‌عنوان مثال ممکن است مجریان فرهنگی یک حکومت دینی، برای مقابله با مشکل بدپوششی در حوزه تنظیم روابط جنسی هزینه کنند، در حالی که اساساً مسئله جامعه مخاطبش، چنین امری نیست و مثلاً تذکر درباره پوشش، برای اصلاح وضعیت ناهنجار کافی باشد.

جامعه و مردم از این طریق به سمت حضور و داوری و هدایت‌گری قرآن سوق داده می‌شوند؛ البته توجه داریم که مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی الزاماتی دارد؛ از جمله نیاز به حرکت هم‌سو و هماهنگ همه دستگاه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مجریان فرهنگی. باید تمام برنامه‌های فرهنگی، اعم از برنامه‌های کلانی مثل چشم‌انداز فرهنگی کشور و برنامه‌های خرد و عملیاتی، مبتنی بر راهبردهایی باشند که با این روش استخراج می‌شوند. مثل پخش آیاتی از قرآن قبل از اذان در صدا و سیما؛ حتی در این برنامه نیز باید انتخاب آیاتی مشخص و نوع ترجمه آن، بر اساس همین راهبرد باشد. همچنین اگر حاکمیت می‌خواهد از ساخت فیلم‌های فرهنگ‌ساز حمایت کند، باید ابتدا بر اساس این روش بداند که اولویت فیلم‌سازی جامعه‌ی ما چه موضوعی و در چه سطح و لایه‌ای است و روش ارائه آن چگونه است؟ رسیدن به پاسخ واقعی این سنخ مسائل، در گرو کشف دقیق راهبردهای قرآنی در این مرحله است.

مرحله چهارم کشف الگوی اسلامی: طبقه‌بندی مخاطبان

گفته شد که ملاک مرحله سوم، معدل جامعه است و اگر به درستی معدل‌گیری کنیم، می‌فهمیم مجموع افراد این جامعه تاکنون چه مقداری از معارف صحیح را می‌دانند و کدام برنامه فرهنگی برای آنها اولویت دارد؟ اما خود این جامعه یک واحد مرکب است و درون خود به دسته‌ها و امت‌هایی^۱ (گروه‌هایی که دارای اهداف مشترک‌اند) تقسیم می‌شوند. حتی در اواخر جامعه مدینه‌النبی که کسی جرأت اظهار کفر نمی‌کرد نیز گروه‌هایی از قبیل «مؤمن حقیقی» و «منافق» و «فی قلوبهم مرض» و «مرجف در مدینه» و «اهل کتاب» و ... حضور داشتند^۲.

۱. در تعبیرات فراوانی از قرآن واژه «امت» به معنای دسته‌ها و گروه‌های داخلی یک جامعه استعمال شده است؛ از جمله: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ...» و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند؛ (قصص/۲۳) یا «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند» (اعراف/۱۵۹) یا «وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْبُدُونَ قَوْمًا لَّهِ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا...» و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» (اعراف/۱۶۴).

۲. در سوره احزاب (نزول ۹۰) که از سوره‌های متأخر است، در آیه ۶۰ می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛ اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جزی [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند». همچنین

به تعبیری دیگر حتی با وجود معدل گیری از جامعه بالاخره با گروه‌هایی مواجه می‌شویم که از این معدل پایین‌ترند؛ همان‌طور که گروه‌ها، اقشار و دسته‌های اجتماعی دیگری بالاتر از حد میانگین جامعه هستند؛ آحاد و گروه‌های موجود در یک جامعه، لزوماً هماهنگ و همسان رشد نمی‌کنند و ممکن است فرد یا گروهی در اثر تربیت و حیانی زودتر از دیگران رنگ الهی بگیرد و عده‌ای دیگر به کفر خود ادامه دهند و هدایت نیابند. بنابراین علاوه بر برنامه‌ریزی برای کلیت جامعه و پیشبرد آن به سوی اهداف دینی، باید برای این گروه‌ها برنامه‌های فرهنگی خاصی داشته باشیم که رشد گروه‌های پیش‌رو متوقف نشود و دسته اول به حد متعادل جامعه برسند. از همین‌رو است یکی از اصول حاکم بر جریان تربیت گروه‌های مختلف جامعه در قرآن عبارت است از «تذکر». یعنی در عین حالی که گام‌های رشد بیشتر جامعه، پی‌درپی و به‌صورت مهندسی شده برداشته می‌شود، برخی از این گام‌ها را به‌طور مکرر مطرح می‌نماید.

این نکته در سیره اهل‌بیت^(ع) نیز به‌طور واضح مورد توجه است. گاهی مطلبی به کسانی گفته می‌شد که مورد نیاز یا حتی به مصلحت همگان نبوده است، لذا خود ائمه^(ع) مخاطب خاص را توصیه به کتمان کلام‌شان می‌فرمودند و در مواردی جواب‌های متفاوتی به سؤال واحد از ایشان نقل شده است. در برخی موارد از بررسی دقیق روایت، می‌توان به علت این تفاوت‌ها پی برد.

گروه‌های متفاوت طبیعی (سن و جنسیت) و گونه‌های متفاوت اختیاری

به‌طور کلی گروه‌های مردم در جامعه هدف از دو نظر قابل تقسیم‌اند: یکی از نظر افعال اختیاری در ساحت‌های بینشی و گرایش‌ی و روشی، مانند هماهنگی‌شان با ارزش‌های دینی و دیگری از نظر ویژگی‌های غیر اختیاری مثل گروه‌های سنی و جنسیتی. در مرحله چهارم، به ترکیب جامعه از هر دو جهت توجه می‌شود. باید از طرفی وجود گروه‌هایی مثل کافر مصطلح و «فی قلوبهم مرض» و میزان حضور آنها در جامعه رصد شود و از طرفی دیگر برای گروه‌هایی که بدون دخالت اختیار خود، در شرایط خاصی مثل شرایط سنی و جنسیتی و حتی فقر و غنای ناخواسته قرار گرفته‌اند، برنامه‌ریزی فرهنگی صورت گیرد.

در سوره توبه که آخرین سوره است آیات فراوانی به این اقسام پرداخته‌اند. از جمله: ر. ک. آیات ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۳، ۹۹-۹۷ و ۱۰۱.

همان‌گونه که تفاوت کلیت جوامع در نحوه مخاطب قرآن گذشت، توجه به اقتضانات گروه‌های مختلف نیز در آن مشاهده می‌شود که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌گردد:

در طول ۱۳ سال نزول قرآن در مکه، کافران، مخاطب به اموری بودند که جامعه اسلامی از آنها عبور کرده و به مراحل بسیار بالاتری رسیده بود. به‌عنوان مثال در اواخر سوره فرقان (نزول ۴۲) با کفار درباره ربوبیت بحث می‌کند^۱ درحالی‌که از مؤمنانی که با تربیت و حیوانی رشد کرده‌اند با‌عنوان عباد الرحمن یاد می‌نماید و ویژگی‌های ارزشی ویژه‌ای درباره‌شان گزارش می‌دهد^۲. روشن است که فاصله این دو گروه در متن یک جامعه از

۱. «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (۵۵) وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۵۶) قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ مِنْ سَبِيلٍ (۵۷) وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بُذُوبَ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸) الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (۵۹) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (۶۰) تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا (۶۱) وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (۶۲)؟» و غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند و کافر همواره در برابر پروردگار خود هم‌پشت [شیطان] است. (۵۵) و تو را جز بشارت‌گر و بیم‌دهنده نفرستادیم. (۵۶) بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هرکس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.» (۵۷) و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح‌گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است. (۵۸) همان‌کسی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید. آنگاه بر عرش استیلا یافت. رحمت‌گر عام [اوست]. درباره وی از خبره‌ای پرس [که می‌داند]. (۵۹) و چون به آنان گفته شود: «[خدای] رحمان را سجده کنید» می‌گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می‌دهی سجده کنیم؟» و بر زمین‌شان می‌افزاید. (۶۰) [فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن، چراغ و ماهی نوربخش قرار داد. (۶۱) و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید. (۶۲)».

۲. «وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳) وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ لِرَبِّهِمْ سَجْدًا وَقِيَامًا (۶۴) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵) وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷) وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ (۶۸) وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲) وَالَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. (۶۳) و آنان‌اند که در حال سجده یا ایستاده، شب را به روز می‌آورند. (۶۴) و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دائمی است. (۶۵) و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است. (۶۶) و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند. (۶۷) و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هرکس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. (۶۸)

نظر قرآن به دور نمانده و راه رشد مناسب هر کدام از آنها را در موقع نیاز ذکر فرموده و از لزوم تکرار و تذکر این زیرساخت‌ها در مواقع لزوم، غفلت نکرده است.

در قرآن مراحل و مراتب مختلفی برای اهل ایمان ذکر شده که دو مسئله نسبت به هر گروه در مطالعه تنزیلی مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد: یکی احکام و اقتضانات هر گروه و دیگری پایه‌های فرهنگ‌سازی قرآن برای رساندن گروه‌هایی از آحاد جامعه به این مراتب متفاوت مثل مؤمنان، صالحان، تسلیم‌شوندگان کامل و محسنان.

کسانی که درصدد مهندسی فرهنگ جامعه خود بر اساس قرآن هستند نیز به این مسئله توجه کافی داشته باشند. به‌عنوان مثال، باید برای کودکان که هنوز فرهنگ جامعه در آنها نهادینه نشده است و در نقطه آغازند و دفاع و چالش‌چندانی در قبال فرهنگ قرآنی ندارند، نقطه شروع دقیقی را تعریف کرد تا بتوان ضمن حفاظت از ارزش‌های فرهنگی و پیشگیری از ضد ارزش‌ها، ایشان را به رشد و استقلال فرهنگی نسبت به نسل پیشین رساند.

قرآن با ویژگی جامعیت، هم برای مربی برنامه دارد و هم برای متربی؛ مربی باید به‌طور کامل و نظام‌مند بداند چه حوادثی بین پیامبر خدا^(ص) و دشمنان او گذشته تا بتواند در موارد مشابهی که مواجه می‌شود بر اساس الگوی قرآنی تصمیم و عمل درست را از خود بروز دهد. اما مسئله این است که آیا همه این مطالب را باید به همه متربیان نیز (در هر سن و با هر سنخی) گفت؟ این گروه‌ها نیازمندی محدودتری دارند و با محتوای محدود و روش مشخصی می‌توان ایشان را به پاسخ نیازمندی‌هایشان از قرآن رساند. ما باید پله‌های انتقال این مفاهیم را بر اساس روش قرآن - که روشی آسان است^۱ -

برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند. (۶۹) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۷۰) و هرکس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به‌سوی خدا بازمی‌گردد. (۷۱) و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند. (۷۲) و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارش تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند. (۷۳) و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.» (۷۴).

۱. نه اینکه اگر دو راه - یکی ساده و دیگری پیچیده - وجود دارد ما ساده را انتخاب کنیم؛ بلکه با توجه به آیاتی مثل «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/۱۸۵)، «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ»؛ «هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا» (کهف/۱)، «فَسَنِّيَسِرُهُ لِلْيُسْرَى»؛ «(لیل/۷) درمی‌یابیم که روش هدایتی قرآن پیچیده نیست؛ بنابراین اگر دین به‌درستی مطالعه شود، معلوم می‌گردد که انتقال معارف آن راه ساده‌ای دارد و پیچیده و سخت‌گو و لغز و معماگونه نیست.

استخراج کنیم و بگوییم برای هر مخاطبی، چه مطالبی را، تا چه اندازه و با چه روشی باید گفت؟ چه مرحله‌ای را باید با سرعت زیادی طی کرد؟ به چه مسائلی نباید پرداخت، مگر اینکه خودش بطلبد؟ و ...

در این مرحله باید از کسانی که حوزه فعالیت‌شان مربوط به مخاطبان خاص و علوم ارتباطات است، مشاوره گرفت تا در نحوه انتقال عناصر فرهنگی به مخاطبان اظهار نظر کنند.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، بهترین الگو برای مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی مردم ایران، الگویی برگرفته از منابع اسلامی است؛ زیرا منابع اسلامی پاسخی به نیازهای فطری بشر دارند و هماهنگ با آنهاست. همچنین این دین موافق فطرت، هیچ‌گاه از واقع و جامعه معاصران خود غفلت نکرده، بلکه مطالب را به‌منظور تغییر و تحول آنها بیان کرده است و آنها را بهانه‌ای برای عرضه مطالب تحول‌ساز خود شمرده است. نکته مهم آنکه باید در هنگام استخراج الگو، قرآن را اصل و سنت را به‌تبع آن قرار داد. مطالعات درون قرآنی نیز باید با نگاه به نزول تدریجی قرآن باشد و برای کشف فرایندهای تحول باید سراغ ترتیب نزول سوره‌ها رفت. در رابطه با قرآن دو مطالعه به‌ترتیب نزول سوره‌ای و به‌ترتیب نزول موضوعی ضرورت دارد؛ اول به کار استخراج تمام جریانات مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و دوم به کار شناخت فرایند تغییر و تحول در عناصر فرهنگی می‌آید. سنت اسلامی را باید با توجه به اولویت سنت پیامبر^(ص) و سپس سنت ائمه اطهار^(ع) سامان داد و در این مسیر، هر یک از ائمه^(ع) را به‌ترتیب امامت‌شان مقدم کرد. دستاورد مطالعه سنت در استخراج الگوی مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی عبارت‌اند از: شناخت روشن ابعاد مهندسی قرآن و آشنایی ابعاد و اجزای لازم مهندسی، کشف روش «جری و تطبیق» و انطباق الگوی قرآنی بر جوامع معاصر هر یک از معصومان^(ع). پس از این مرحله، نوبت به تطبیق الگو بر ایران می‌رسد. در این مرحله باید دو گام عمده را با مدد دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی برداشت: تعمیم و انطباق دقیق الگوی مستخرجه از منابع اسلامی بر مردم ایران، به‌گونه‌ای که بتوان قرآن را از جامعه معاصران نزول منتزع و بر جامعه ایرانی مورد مطالعه تطبیق داد. در مرحله دوم باید به‌تناسب تفاوت‌های اختیاری و طبیعی، مطالب الگو را برای جامعه هدف بسته‌بندی و آماده کرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین. (۱۳۸۵ هـ. ق). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار الصادر، بی چا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۷). **عیون اخبار الرضا**(ع). تهران: نشر جهان، چاپ اول.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ هـ. ق). **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین.
۵. استرآبادی، محمد امین و سید نورالدین العاملی. (۱۴۲۴ هـ. ق). **الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة**. تحقیق رحمت الله رحمتی اراکی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ اول.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ هـ. ق). **فرائد الاصول**. قم: مجمع فکر الاسلامی.
۷. بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۶). **مکاتب تفسیری**. جلد دوم. قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت. چاپ اول.
۸. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱). **المحاسن**. تصحیح جلال الدین محدث. قم: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
۹. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ هـ. ق). **البرهان فی تفسیر القرآن**. تهران: بعثت. چاپ اول.
۱۰. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). **تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ مبانی، اصول، قواعد و فوائد**. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
۱۱. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۱). **تفسیر فریقین؛ تاریخ، مبانی، اصول، منابع**. قم: آثار نفیس. چاپ اول.
۱۲. بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۰). **همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)**. ویراست دوم. قم: تمهید. چاپ اول.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ هـ. ق). **تفصیل و سائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. محقق و مصحح مؤسسه آل البیت. قم: مؤسسه آل البیت، چاپ اول.
۱۵. حکیم، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ هـ. ق). **علوم القرآن**. قم: مجمع فکر الاسلامی. چاپ سوم.
۱۶. حکیم، سید محمد باقر. (۱۴۰۶ هـ. ق). **دروس فی علم الاصول**. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۱۷. حلی، حسین. (۱۳۷۹ هـ. ق). **دلیل العروه الوثقی**. مقرر: حسین سعید تهرانی. نجف: مطبعه نجف. چاپ اول.
۱۸. خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ هـ. ق). **کفایه الاثر فی النص علی ائمه الاثنی عشر**. محقق حسینی کوه کمری. قم: بیدار.
۱۹. دبیرخانه شورای عالی انقلاب اسلامی. (۱۳۹۰). **نقشه مهندسی فرهنگی کشور**. ویرایش دوم. زمستان.
۲۰. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۹ هـ. ق). **الحديث النبوی بین الروایه و الدرایه**. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۲۱. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۱ هـ. ق). **المدرسه القرآنیة**. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۲۲. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸ هـ. ق). **بحوث فی شرح عروه الوثقی**. محقق سید محمود هاشمی. قم: مجمع علمی شهید صدر. چاپ دوم.

۲۳. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ ه.ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. مصحح محسن کوچه باغی. قم: مکتبه آیت الله مرعشی. چاپ دوم.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
۲۵. طبری، محمدبن جریر. (۱۳۸۵ ه.ق). *المسترشد فی امامه علی بن ابی طالب (ع)*. محقق احمد محمودی. قم: کوشانیور. چاپ اول.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ه.ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تصحیح محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی. چاپ اول.
۲۷. عاملی نباطی، علی بن محمد. (۱۳۸۴ ه.ق). *الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم*. محقق و مصحح میخیلیل رمضان. نجف: المکتبه الحیدریه. چاپ اول.
۲۸. عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ ه.ق). *کتاب التفسیر*. تهران: چاپخانه علمیه.
۲۹. فرات کوفی، ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ه.ق). *تفسیر فرات الکوفی*. تحقیق محمد کاظم محمودی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی. چاپ اول.
۳۰. کشی، محمدبن عمر. (۱۴۰۹ ه.ق). *رجال کشی، اختیار معرفه الرجال*. تصحیح محمدبن حسن طوسی و حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد. چاپ اول.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ ه.ق). *الکافی*. تصحیح دارالحديث. قم: دارالحديث. چاپ اول.
۳۲. لوبون، گوستاو. (۱۳۷۸). *تمدن اسلام و عرب*. سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب، چاپ اول.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ادمه الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
۳۴. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. قم: تمهید.
۳۵. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۱۸ ه.ق). *کتاب الطهاره*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره). چاپ اول.
۳۶. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷ ه.ق). *مصباح الاصول*. قم: داوری.
۳۷. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ ه.ق). *اجود التقريرات*. مقرر: محمدحسین نایینی. قم: مؤسسه مطبوعاتی دینی. چاپ دوم.
۳۸. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۹ ه.ق). *محاضرات فی اصول الفقه*. مقرر: محمداسحاق فیاض. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۸ ه.ق). *موسوعه الامام الخویی*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی. چاپ اول.
۴۰. نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ ه.ق). *الغیبه*. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق. چاپ اول.